

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان و تنظیم از: سیما صابر
۱۰ اگست ۲۰۲۱

**ماجرای هدف قرار دادن کشتی ها در خلیج فارس،
اسرائیل مسئولیت اصلی ناآرامی ها و جنگ ها در منطقه را بر عهده دارد**
کارین لوکفلد در مصاحبه با روسیه امروز: اسرائیل مسئولیت اصلی ناآرامی ها و جنگ ها در منطقه را بر عهده دارد



در چند روز گذشته اوضاع در خاورمیانه دوباره به شدت بدتر شده است. کارین لوکفلد، کارشناس خاورمیانه در مصاحبه با بخش المانی روسیه امروز، آخرین تحولات منطقه را ارزیابی کرده و میزان خطر وقوع جنگ جدید را بررسی می کند.

در چند روز گذشته اوضاع در خاورمیانه دوباره به شدت بدتر شده است. روسیه اخیراً حملات هوایی اسرائیل را به عنوان نقض حاکمیت سوریه مورد انتقاد قرار داد. وزارت دفاع روسیه بیانیه ای در مورد حملات اخیر اسرائیل به سوریه منتشر کرد که حاوی نشانه هایی از تعاملات جدید و تغییرات احتمالی استراتژی مسکو در مورد حملات غیرقانونی اسرائیل به حاکمیت سوریه بود.

حمله پهبادی به نفتکش اسرائیلی (MT Mercer Street) اخیراً درگیری بین اسرائیل و ایران را دوباره داغ کرد. گفته می شود دو خدمه این کشتی در این حملات کشته شده اند. اسرائیل اکنون ایران را تهدید به گرفتن انتقام و راه انداختن جنگ می کند تا برنامه هسته ای این کشور را متوقف کند.

بنی گانتز ، وزیر دفاع اسرائیل ، روز پنجشنبه گفت که ارتش اسرائیل آماده اقدام علیه ایران است. در همین حال، جنگ بین طالبان و نیروهای دولتی در افغانستان در حال تشدید است. تعداد پناهیجویان افغان اخیراً به سرعت افزایش یافته است. تنها روز سه شنبه بود که یک موتر بمب گذاری شده در مقابل منزل وزیر دفاع در کابل منفجر شد. طالبان مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت. ابراهیم رئیسی چند روز پیش به عنوان رئیس جمهور جدید ایران روی کار آمد. اگرچه رئیسی در سخنرانی افتتاحیه ریاست جمهوری نشانه هائی از خود بروز داد که احتمالاً به مذاکرات برای بازیافت توافق هسته ئی ۲۰۱۵ با قدرت های جهانی ادامه می دهد، اما وی تأکید کرد که دولت جدید نمی خواهد آینده کشور را به غرب گره بزند.

کارین لوکفلد ، کارشناس خاورمیانه در مصاحبه با شبکه رسانه ئی روسیه امروز بخش المانی ، آخرین تحولات منطقه را ارزیابی کرده و میزان خطر وقوع جنگ جدید در خاورمیانه را بررسی می کند.

روسیه اخیراً بار دیگر حملات هوائی اسرائیل را عنوان نقض حاکمیت سوریه مورد انتقاد قرار داد. مسکو در حال حاضر بالا بردن دقت دفاع هوائی سوریه را برای رهگیری حملات اسرائیل به خاک این کشور را آغاز کرده است. به گزارش شرق الاوسط ، اکنون احتمال داده می شود که روسیه از واشنگتن برای دفع حملات هوائی اسرائیل «چراغ سبز» دریافت کرده است. رابطه آینده روسیه و دولت جدید اسرائیل را چگونه می بینید؟ آیا روسیه در حال پیشبرد ستراتیژی جدیدی در خاورمیانه برای حفاظت از سوریه در برابر تجاوزات اسرائیل است؟

پیش بینی تحولات آینده در خاورمیانه ، به ویژه در مورد اسرائیل و همسایگان عرب آن ، دشوار است. همه چیز می تواند در یک لحظه تغییر کند. من به عنوان خبرنگار سالها در منطقه ، مسئولیت اصلی ناآرامی ها و جنگ در منطقه را با اسرائیل و به خاطر خودداری این کشور از به رسمیت شناختن حقوق فلسطینی ها و کشورهای عربی همسایه را می دانم. تنها رئیس دولت اسرائیل که حداقل آماده برقراری صلح بود ، منظورم اسحاق رابین است ، در سال ۱۹۹۵ توسط یک اسرائیلی کشته شد. امروز اسرائیل از سیاست برقراری صلح ، هم در داخل کشور و هم در خارج دور شده است.

وقتی منافع مختلف احزاب اسرائیلی شریک در ائتلاف دولتی را در نظر بگیرید، باید اذعان کرد که دولت جدید اسرائیل بی تجربه و بی ثبات است. سرهم بندی و انتخاب این دولت به این دلیل بود که آنها دیگر بنیامین نتانیاهو را نمی خواستند و نه به این دلیل که از نظر سیاسی به بنت یا گانتز متقاعد شده بودند.

دولت نتانیاهو «نمایشی یک نفره» بود. او سیاست خارجی از جمله تماس با کرملین و رئیس جمهور پوتین را شخصاً تعیین می کرد. او معتقد بود داشتن این رابطه برای کنترل وضعیت سوریه بسیار مهم است ، مثلاً درجائی که حزب الله لبنان ، متحد ایران و روسیه ، در کنار ارتش سوریه می جنگید. نتانیاهو سعی می کرد از روسیه برای رسیدن به منافع خود علیه ایران، علیه حزب الله و علیه سوریه استفاده کند. این امر همچنین منجر به پیچ و خم های خطرناکی شد ، همانطور که در سال ۲۰۱۸ شاهد بودیم.

در آن زمان ، پدافند هوائی سوریه به طور تصادفی یک هواپیمای جاسوسی روسی را که در حال نزدیک شدن به فرودگاه حمیمیم در نزدیک لاذقیه بود ، سرنگون کرد. کل خدمه ، ۱۵ سرباز روس، کشته شدند. پدافند هوائی سوریه در واقع جنگنده های اسرائیلی را که در حمله به لاذقیه شرکت کرده بودند هدف قرار داده بود و نیروی هوائی اسرائیل از هواپیماهای روسی به عنوان نوعی سپر محافظ استفاده کرده بود. جنرال شویگو وزیر دفاع روسیه رفتار نیروی هوائی اسرائیل را «غیرمسئولانه» توصیف کرد و اسرائیل را مسؤول سقوط هواپیمای نظامی روسی اعلام کرد. من باید به این نکته اشاره کنم که وقتی اسرائیل به دنبال حفظ منافع خود است حتی به عنوان یک شریک نیز غیر قابل اعتماد است.

مدتی طول کشید تا کرملین آماده مذاکره مجدد با نتانیاهو شد و سپس روسیه تصمیم گرفت پدافند هوایی سوریه را ارتقا داد.

سرنگونی این هواپیما در شرایطی اتفاق افتاد که یک کانال ارتباطی بین اسرائیل و روسیه در سال ۲۰۱۷ ایجاد شده بود – مشابه کانال ارتباطی بین روسیه و ایالات متحده از سال ۲۰۱۶ – هدف از ایجاد این کانال های ارتباطی جلوگیری از وقوع چنین حوادثی است. اسرائیل باید روسیه را از حملات در سوریه مطلع می کرد، در مورد مذکور در لاذقیه اسرائیل یک دقیقه (!) تنها یک دقیقه قبل از هدف قرار دادن هواپیمای مورد نظر به روسیه اطلاع داده بود.

آیا دولت جدید اسرائیل این کانال ارتباطی را حفظ خواهد کرد؟ و اگر چنین است، چگونه و چه کسی طرف مقابل روسیه در آنجا خواهد بود، شرایط چگونه خواهد بود؟ دولت بنت ابتداء باید خود را از نظر سیاست خارجی تثبیت کند. این امر در مورد روابط آنها با ایالات متحده، اروپا، چین و غیره صدق می کند. در مورد سوریه، تل ابیب امروز با روسیه متفاوتی روبه رو است و این روسیه دیگر روسیه دوران نتانیاهو نیست. سوریه – و به همراه آن رئیس جمهور اسد – با حمایت روسیه و ایران، از جمله حزب الله، به طور قابل توجهی تثبیت شده است. این امر یعنی استحکام حکومت سوریه فقط با گسترش نفوذ دولت روسیه در خاورمیانه امکان پذیر شد. روسیه به همه ثابت کرده است که یک شریک قابل اعتماد برای منطقه است و اسرائیل بزودی چوب بی اعتمادی و خیانت به روسیه را خواهد خورد.

افزایش قدرت جدید روسیه در خاورمیانه همچنین به این واقعیت مربوط می شود که ایالات متحده می خواهد در آینده بیشتر بر چین تمرکز کند، در نتیجه امریکا با این کار دامنه نفوذ روسیه در خاورمیانه را افزایش می دهد. این که آیا واشنگتن برای جلوگیری فعالانه از حملات هوایی اسرائیل به سوریه «چراغ سبز» نشان داده است، یک گمانه زنی است که منحصر به «شرق الاوسط» نیست. اتفاقاً، من همچنین می گویم صحبت نتانیاهو این است که پوتین به اسرائیل «آزادی عمل در سوریه» را اعطا کرده بود.

روسیه دیپلماسی روشنی دارد. آنها بارها از اسرائیل خواسته بودند که حملات غیرقانونی خود علیه سوریه را متوقف کند. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه بارها اشاره کرده است که اگر اسرائیل احساس می کند که امنیتش توسط سوریه و یا توسط کشور و یا نیروئی از خاک سوریه تهدید می شود باید ابتداء به روسیه مراجعه کنند. این واقعیت است که اسرائیل با این وجود این پیشنهاد روسیه، سال های سال است که سوریه را سر خود بمباران می کند. به این معنی است که اسرائیل پشتش به حمایت امریکا گرم است. این که این ماجرا همچنان به این طریق ادامه پیدا کند هنوز وضعیتش معلوم نیست. روسیه متمایل به مذاکره و توافق است و هیچ بعید نیست که بین امریکا و روسیه مذاکراتی صورت بگیرد تا به توافق هائی برسند. پس از دیدار دو رئیس جمهور بایدن و پوتین در اجلاس ژنیو، کارگروه های دوجانبه راه اندازی شد و قطعاً در این کارگروه ها طرفین به شکل کاملاً شفاف در این باره صحبت خواهند کرد. در زمینه نظامی به عکس روسیه به شدت با احتیاط در مقابل کسانی که از تروریست ها حمایت می کنند برخورد می کند.

برای مثال در ادلب می توان مشاهده کرد که روسیه پشتیبانی هوایی برای ارتش سوریه برای مقابله با تروریست های تحریر الشام فراهم می آورد اما این حمایت هوایی در برابر نیروهای نظامی ترکیه از تروریست های فوق حمایت می کنند پایان می پذیرد، نیروهای ترکیه در این عملیات مورد هدف نیروی هوایی روسیه قرار نمی گیرند. این وضعیت را می توان در شمال سوریه نیز مشاهده کرد، جایی که تروریست های مورد حمایت ترکیه توسط نیروی هوایی سوریه مورد حمله قرار می گیرند اما نیروهای نظامی و ارتش ترکیه از این حملات در امان می مانند. روسیه همچنین به گروه های داعش در شرق سوریه که از پایگاه التونف تحت اشغال امریکا خارج می شوند حمله می کند، اما وقتی تروریست های

اسلامی به پایگاه باز می‌گردند یا در آن پناه می‌گیرند به این پایگاه تحت اشغال امریکا حمله ای توسط روسیه صورت نمی‌گیرد. لازم به یاد آوری است که امریکا ترکیه، اسرائیل و کشورهای شیخ‌نشین حاشیه خلیج فارس و در نهایت ناتو به رهبری امریکا به اصطلاح، اتحاد ضد خلافت اسلامی داعش، را در سوریه تشکیل داده اند، روسیه سعی می‌کند با این اتحاد رویارویی دیپلماتیک داشته باشد و نه یک رویارویی نظامی.

در افغانستان نبرد میان طالبان و نیروهای دولتی در حال گسترش است. در شرایط فعلی طالبان حتی تهدیدی جدی برای تصرف شهرهای بزرگ افغانستان هستند در این میان دولت المان ظاهراً مخفیانه با طالبان در دوحه روابط برقرار کرده است. وضعیت کنونی افغانستان را در پی خروج نیروهای امریکانی از این کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خروج نیروهای نظامی امریکا و متحدانش یعنی ناتو از افغانستان قرار بود که انجام بگیرد، اما نه به این ترتیب. افغانستان و دولت فعلی اش برای خروج نیروهای نظامی ناتو و امریکا آمادگی نداشتند و مذاکرات با طالبان دولت فعلی افغانستان را به شدت تضعیف کرد.

گسترش حملات نظامی طالبان خود گواه این ادعاست. آن‌ها بخش‌های بزرگی از کشور را کنترل می‌کنند و برای تصاحب قندهار (جنوب)، هرات و لشکرگاه آماده می‌شوند. این‌ها از نظر ستراتیژیک و اقتصادی مکان‌های مهمی هستند. امروز نیز اعلام شد که دولت و سخنگوی ریاست جمهوری، دوا خان منیه پال، در کابل به قتل رسیده است. طالبان مسئولیت را به عهده گرفته اند. آنها خیلی احساس امنیت می‌کنند که به سخنگوی ریاست جمهوری در وسط خیابان شلیک کردند تقریباً ترور این شخصیت سیاسی را می‌توان پاسخی به کمیسیون اروپا ارزیابی کرد که روز گذشته طالبان را به جنایات جنگی متهم کرد و خواستار تعقیب کیفری آنها شد. بیانیه کمیسیون اروپا در رابطه با گذاشتن بمب در اتومبیل وزیر دفاع افغانستان صادر شده بود.

شورای امنیت ملل متحد روز جمعه جلسه ای در باره اوضاع افغانستان تشکیل داد و بله، دولت المان اکنون تأیید کرده است که هفته گذشته با طالبان در دوحه صحبت کرده است. گفته می‌شود آنها به طور محرمانه در مورد حفظ امنیت نیروهای محلی سابق افغانستان همکار با ارتش المان مذاکره کرده بودند. طالبان ظاهراً وعده حفظ جان همکاران سابق ارتش المان را به دولت المان دادند اما روی این حرف نمی‌توان حساب کرد و به آن اعتماد کرد.

چیزی که ما می‌بینیم یک خروج آشفته پس از دو دهه فاجعه بار است که در آن دست کم ۲۵۰ هزار نفر کشته شدند. این کشور از نظر مادی و اقتصادی از بین رفته، سیاستی که اشغالگران از خود به جای گذاشتند سیاستی است کاملاً آمیخته با فساد، طالبان قوی تر از قبل به نظر می‌رسند. نه فقط به این دلیل که حامیان با نفوذی در قطر کشور ثروتمند در خلیج فارس پیدا کرده اند. این خروج به شکل کاملاً آشکار نشان می‌دهد که منافع امریکا برای این کشور از هر چیز دیگری مهم تر است این که چه بلایی بر سر افغانستان آمده هیچ اهمیتی برای امریکا ندارد، افغانستان تنها یک توپ بازی برای حضور امریکا در منطقه آسیای میانه بود و نه بیشتر.

هر دولت و یا هر جمعیتی که در افغانستان بر سر کار بیاید نیازمند دریافت کمک‌های مالی بین‌المللی و کمک‌های بشردوستانه خواهد بود. این فضاء فرصت‌های جدیدی را برای رشد و گسترش فساد و مداخله غیرقانونی در زندگی مدنی انسان‌ها ایجاد می‌کند. این تحولات منجر به رفاه، توسعه و ایجاد امنیت برای مردم افغانستان نخواهد شد. افغانستان و افغانها همچنان برای زنده ماندن نیاز به دریافت کمک‌های مالی و بشردوستانه خواهند بود.

برای کشورهای همسایه بی ثبات کردن افغانستان به معنای مشکلات جدیدی خواهد بود. این کشور توسط تاجیکستان، ترکمنستان، ایران و پاکستان احاطه شده است. همچنین مرز کوتاهی با چین دارد. دولت های آسیای مرکزی از نظر سیاسی و نظامی ضعیف هستند که به نوبه خود می تواند به مشکلی برای روسیه همسایه این کشورها تبدیل شود. مانورهای نظامی مشترکی که در حال حاضر با روسیه در حال انجام است نشان می دهد که آنها تحولات افغانستان را بسیار جدی می گیرند. نکته اصلی این است که روسیه می خواهد مسیر انتشار عقاید جهادی و جهادگران را که می توانند از آسیای مرکزی عبور کنند و وارد این کشور شوند، قطع کند.

روسیه و چین مدتی است که با طالبان مذاکره می کنند و آنها را یک «نیروی سیاسی» در افغانستان توصیف می کنند که باید جدی گرفته شود. از سوی دیگر طالبان اعلام کرده اند که آنها فقط به حکومت در افغانستان تمایل نشان می دهند و هیچ گرایشی به گسترش نفوذ خود به کشورهای همسایه ندارند. اما تاریخ به ما آموخته است که دین و ایدئولوژی در مرزهای ترسیم شده متوقف نمی شوند.

عواقب سر کار آمدن طالبان و ایجاد بی ثباتی در منطقه می تواند جزئی از محاسبات عقب نشینی امریکا از افغانستان باشد. یک افغانستان بی ثبات و اسلامگرا می تواند دو رقیب جدی امریکا در جهان یعنی روسیه و چین را سال های سال گرفتار کند و مانع پیشرفت این کشورها شود. علاوه بر این، پروژه چینی «جاده ابریشم جدید» هم می تواند مختل شود. در همین حال سربازان امریکائی و متحدان نظامی این کشور جبهه جدیدی را در آبهای جنوبی چین علیه جمهوری خلق چین می گشایند. در آنجا، ایالات متحده با کشورهای منطقه برای ایجاد یک ابتکار مشارکتی دیگر به نام «دلتای مکونگ» همپیوند شده است.

حمله اخیر هواپیمای بدون سرنشین به نفتکش اسرائیلی (MT Mercer Street) درگیری بین اسرائیل و ایران را دوباره داغ کرد. گفته می شود دو خدمه کشته شده اند. به گزارش العالم، این حمله در پاسخ به حملات هوایی اخیر اسرائیل به اهدافی در سوریه بوده است. خطر وقوع جنگ بین ایران و اسرائیل تا چه حد امکان پذیر است؟

آنچه که العالم ادعا کرده است به سختی قابل پی گیری و تأیید است. ایران اما از جنگ روانی که غرب علیه این کشور راه انداخته است سخن می گوید. اسرائیل بدون فوت وقت و فوراً مدعی شد که ایران به این نفتکش حمله کرده است، اظهارات ایالات متحده و بریتانیای کبیر و دیگر متحدان اسرائیل نیز بلافاصله و به سرعت منتشر شد. اما در واقع این می تواند چیزی به نام، عملیات پرچم کاذب، نیز باشد. ادعا می شود که این حمله توسط ایران انجام شده و شاید هم حتی این حمله برای تلافی حملات قبلی اسرائیل در سوریه انجام گرفته باشد، اما اگر حقیقتش را بخواهید پهباد مهاجم که این عملیات را انجام داده می تواند توسط دولت و یا یک ارتش خصوصی دیگر به نمایندگی یک کشور ثالثی این عملیات را انجام داده باشد، چه کسی می تواند این ادعا را اثبات کند؟ کدام کشور و یا کدام سازمان تا به حال به بررسی این موضوع پرداخته و آن را علنی اعلام کرده است؟

اسرائیل و ایران به یک جنگ همه گیر و ویرانگر علاقه ای نشان نمی دهند با وجود این امریکا و اسرائیل یک جنگ پنهان که به، جنگ سایه، معروف شده است علیه ایران به راه انداختند، کشورهای اروپائی این جنگ را تأیید می کنند، اسرائیل هدفش در وهله اول زیر ضرب قرار دادن مذاکرات هسته ای در ایران است و می خواهد از ورود مجدد امریکا به این توافق جلوگیری کند، دیگر بازیگران می خواهند ایران را تا آن اندازه تحت فشار قرار دهند تا خواسته های اضافی آنان که ربطی به توافق هسته ای ندارد از سوی ایران مورد قبول قرار گیرد، بنابراین در این مورد به نظر من اسرائیل همزمان هم بازیگر میدان است و هم کارگردان آن.

در داخل اسرائیل دولت جدید باید بتواند قدرت خود را نشان دهد، تا بتواند احزاب شرکت کننده در دولت متزلزل فعلی را کنار هم نگه دارد. از نظر سیاست خارجی، اسرائیل باید در مورد «تهدید ایران» مبالغه کند تا بتواند حمایت نظامی و اقتصادی که مدنظرش است را از ایالات متحده و اروپا دریافت کند.

در حال حاضر شاهد تشدید تنش بین ارتش اسرائیل و لبنان هستیم. در اینجا نیز عملاً جنگی علیه ایران در جریان است. حزب الله لبنان مورد حمایت ایران است. در نگاه اول به نظر می آید دلیل درگیری به راکتهایی برمی گردد که از لبنان به سمت اسرائیل شلیک شده بود. اسرائیل در تلافی این حملات با جنگنده هایش هدفهایی را در نزدیکی الرشیدیه، اردوگاه پناهندگان فلسطینی در نزدیکی صور بمباران کردند. در حال حاضر حزب الله در جواب حملات اسرائیل راکت هایی را شلیک کرده است، هرچند در منطقه باز مزارع شبعاء که اسرائیل آن را اشغال کرده. سپس اسرائیل دوباره به جنوب لبنان حمله کرد. در پس زمینه این حملات یک جنگ سایه علیه ایران را مشاهده می کنیم که در آن بازیگران غربی در مورد لبنان نیز نگرانی هایی دارند، آنها به دنبال برقراری دولتی در لبنان هستند که به دستورات صندوق بین المللی پول یعنی اجرای ستراتیژی خصوصی سازی مانند جوامع غربی، تن دهد اتحادیه اروپا حتی تصمیم گرفته سیاستمداران لبنانی را که مخالف این اهداف هستند، تحریم کنند با این هدف که از نفوذ حزب الله لبنان در این کشور بکاهد.

آیا جنگ بین ایران و اسرائیل امکان پذیر است؟ بله، زیرا بازی با آتش خطرناک است و تراکم بالای نیروهای نظامی در شرق مدیترانه، در خلیج فارس و در داخل و اطراف سوریه خطر بزرگی را به وجود آورده است.

توافق هسته نی ۲۰۱۵ نقش محوری در سیاست خارجی روحانی رئیس جمهور سابق ایران داشت که نزدیک به اردوگاه اصلاح طلبان است. از زمان خروج امریکا از توافق هسته نی در سال ۲۰۱۸، این دوره منجر به مذاکرات طولانی با کشورهای غربی در مورد لغو تحریم ها شده است. با روی کار آمدن ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور محافظه کار، انتظار چه تغییراتی در سیاست خارجی ایران در چهار سال آینده می توان داشت؟

امکانات و توانایی های یک رئیس جمهور در ایران چندان زیاد نیست. او تابع رهبر است. رهبر ایران می تواند دولت را منحل کند و همچنین رئیس جمهور را برکنار کند. رئیس جمهور برای چهار سال انتخاب می شود و نمی تواند بیش از دو بار انتخاب شود.

ابراهیم رئیسی اعلام کرده است که اولویت سیاست خارجی وی بهبود روابط با کشورهای منطقه است. وی وعده داده است که «از هرگونه طرح دیپلماتیک» با هدف لغو تحریم های اقتصادی غرب حمایت می کند. این تنها راه برای غلبه بر بحران اقتصادی و تورم بالا برای ایران است. وی در عین حال گفت که «نمی خواهد آینده ایران را به غرب گره بزند».

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال های ۱۹۷۸/۷۹، سیاست خارجی ایران تحت شعار «نه شرقی، نه غربی» بوده و استقلال ایران در مرکز آن قرار داشته. این سمت گیری اما تغییر کرده است. در سالهای اخیر، ایران به وضوح جهت گیری خود را از نظر سیاسی و اقتصادی به سمت شرق متمرکز کرده است. همکاری با روسیه نه تنها در سوریه و توافق با چین در زمینه همکاری اقتصادی به مدت ۲۵ سال نشانه های بارز این امر است. رئیسی مطمئناً در همین جهت به کارش ادامه خواهد داد.

او در مراسم تنفیذ خود روشن کرد که دولتش به مذاکرات درباره توافق هسته نی ادامه خواهد داد. باید دید چه کسانی این وظیفه را بر عهده خواهند داشت و دولتی که رئیسی تشکیل می دهد چگونه خواهد بود.

اعلام بهبود روابط در منطقه مهم است و نشان می دهد که رئیسی قصد دارد ابتکار صلح دولت قبلی را برای منطقه خلیج فارس به عهده بگیرد. به گفته وی ، او درک کرد که نه تنها ایران ، بلکه کل منطقه به آرامش ، صلح و بازسازی نیاز دارد. تمرکز قطعاً بر این سؤال است که چگونه می توان مذاکرات بین ایران و عربستان را ادامه داد؟ مسأله همکاری با حزب الله لبنان ، واحدهای بسیج مردمی در عراق یا حوثی ها در یمن جزو مسؤولیتهای او نیست ، این وظایف متعلق به نیروهای سپاه پاسداران است.

ترجمه و تنظیم: سیما صابر